

### ایرانیان در ایتالیا

#### مقدمه:

مهاجرت یک پدیده اجتماعی است که به منظور کسب موقعیت مادی و معنوی بهتر یا به عبارتی گریز از یک فرصت نامطلوب برای رسیدن به وضعیت مطلوب انجام می گیرد و این امری است طبیعی و در تمام دنیا و در تمام اعصار صورت گرفته و هم اکنون هم در حال انجام است. در سال 2005، یعنی در آغاز قرن بیست و یکم، از 6/5 میلیارد نفر مردم جهان 191 میلیون نفر -3 درصد کل جمعیت جهان- در کشوری زندگی می کردند که در آن زاده نشده بودند.

در کشورهای مقصد، طرفداران مهاجرت با تکیه بر اعداد و ارقام نشان می دهند که پدیده مهاجرت پی آمدهای اقتصادی مثبتی دربر داشته است. در مورد کشورهای مبدأ، مهاجران شامل افرادی می شوند که دارای مهارت های بسیار بالایی هستند. عمده ترین سود حاصل از مهاجرت برای کشورهای در حال توسعه، انتقال ارزی ریشه گرفته از کار مهاجران به کشورهای زادگاهشان است. مهاجرت در این کشورها، عاملی برای انتقال فرهنگ ها و فناوری نیز هست.<sup>(1)</sup>

ایتالیا نیز از کشورهای مهاجرپذیر اروپای غربی بشمار می آید. مؤسسه ملی آمار ایتالیا موسوم به «ایستات» در آخرین گزارش خود در ژانویه 2011 میلادی اعلام کرده است، جمعیت مهاجران خارجی این کشور با افزایش 7/5 درصدی به چهار میلیون و 570 هزار و 317 نفر رسیده است. ایستات، جمعیت مهاجران خارجی در آغاز سال جاری میلادی در ایتالیا را چهار میلیون و ۲۳۵ هزار و ۵۹ نفر اعلام کرد که معادل 7 درصد ساکنان این کشور است.<sup>(2)</sup> ایرانی ها نیز از جمله مهاجران این جمعیت خارجی می باشند. با آنکه بسیاری از مهاجران ایرانی، به منظور کسب اجازه اقامت یا تابعیت از سوی دولت های بیگانه، دلایلی سیاسی را برای مهاجرت خود عنوان می کنند، اما نتایج تحقیقات در خصوص علل مهاجرت ایرانیان، نشان می دهد دلایل اقتصادی نقش پررنگ تری نسبت به دیگر عوامل داشته است.

مقاله حاضر تلاش نموده است جستاری بر حضور ایرانیان ساکن ایتالیا از گذشته تا به حال داشته باشد.

### ایرانیان مقیم ایتالیا از نگاه تاریخ

بیان آمار دقیقی از ایرانیان مقیم ایتالیا بسیار دشوار است. حضور ایرانیان در ایتالیا همیشه به صورت ناپیوسته بوده است و هیچ گاه تبدیل به یک گروه اجتماعی منسجم نشده است که اقامتی دائم دارند، حتی در طول دورانی که مهاجران از ایران به دیگر کشورها مهاجرت می کردند اغلب آنها به هندوستان- تا قرن 18-، فرانسه- از اواسط قرن 18-، سوئد و آمریکا به دلایل متعدد پس از جنگ جهانی دوم و خصوصاً به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران (79-1378)، ایرانیان کمی وارد ایتالیا شدند. به عبارتی، ایتالیا خلاف دیگر کشورها، مقصد مناسبی برای اقامت طولانی مهاجران ایرانی نبوده است که این مهم را باید در عواملی چون وجود سطح پایین تر روابط فرهنگی و دیپلماتیک، برخورداری از قوانین مهاجرت ضعیف تر، عدم دستیابی آسان به کار و حق پناهندگی دانست.

بررسی های اخیر نشان می دهد که در زمان های قدیم شخصیت های مهمی از دربار ایران همچنین تعدادی از نجیب زادگان بویژه از سلسله های ساسانیان و اشکانیان در روم حضور داشته اند. این حضور گهگاه شامل اشخاصی به عنوان گرو می شد و یا مهاجرانی که برای مدتی طولانی در دربار سلطنتی رومی ها اقامت می کردند و بعدها کیش و آیین خود را تغییر داده و به دین مسیح می گرویدند.<sup>(3)</sup>

اطلاعات بسیار کمی در اختیار می باشد که سفرها و بازرگانان ایرانی در طول دوران قرون وسطی و عصر جدید به ایتالیا بخصوص رم و ونیز آمدند. همچنین این اطلاعات بدرستی بیانگر حضور آنها نمی باشد که آیا آنها اقامتی طولانی در آن شهرها داشته اند؟

از اطلاعات بدست آمده این گونه به نظر می آید که اولین گروه از ایرانیانی که در ایتالیا مستقر شدند به دنبال ورود اولین کاردار ایرانی «نریمان خان قوام السلطنه» (1896 میلادی) و سپس با حضور وزیرمختار «ملکم خان» در رم (1908-1899) شکل گرفته است، اما درباره آنها مطالب اندکی بیان شده است. تأسیس مقر دیپلماتیک برقراری ارتباط کمی را موجب شد، اما مهم تر حضور ایرانی ها در ایتالیا بود که به واسطه دیپلمات ها و خانواده های آنها شکل گرفت. مدت زمان اقامت دیپلمات ها در ایتالیا به طول مدت مأموریت با توجه به مقام و منصب آنها بستگی داشت. آنها به طور کلی تمایل داشتند که خودشان را از جامعه ایتالیایی دور نگه دارند و بیشتر در داخل فضای سفارت و کنسولگری بمانند. این مسأله

حتی در زمانی که تغییرات عمده رسمی و سیاسی بوجود آمد کماکان ثابت و پایدار مانده و ادامه داشته است.

بعدها، نیروهای دیپلمات ایرانی بین شهرهای رم و میلان تقسیم شدند. این دیپلمات ها را 40 نفر از جمله روحانی و کارکنان و خانواده های آنها تشکیل می داد.

از نگاه تاریخی، دانشجویان همیشه بدنه اصلی ایرانیان مقیم ایتالیا را تشکیل داده اند. اطلاعات مختلف نشان می دهد که از قرن هفدهم عده ای به صورت پراکنده، به تحصیلات در زمینه هنر در ایتالیا پرداخته اند. همچنین، اطلاعات متعدد و غیرموثق گویای این است که «محمد زمان» در نیمه اول سال 1600 سفری آموزشی به رم داشته است. البته مشخص نیست که آیا او همان محمد زمان فرنگی خان است که «نظریه بوستان جهانی» «تومازو تومائی» (Tomaso Tomai) را به فارسی برگرداند، یا نقاش مشهور در دربار مغول در هندوستان.<sup>(4)</sup>

دیگر نام شناخته شده، نقاش و روشنفکر «میرزا ابوالحسن خان ثانی الملک غفاری» است که مدت 5 سال (50-1846م) را در ایتالیا صرف تحصیل در آکادمی هنرهای زیبا رم کرد و از آثار استادان ایتالیایی نسخه برداری نمود. در سال 1860م او ویراستار اولین روزنامه ایرانی «وقایع اتفاقیه» شد که در تهران منتشر گردید.

در کنار این دانشجویان هنر- که تعداد کمی از آنها تا سال 1950م در ایتالیا ماندند- از سال 1927م تعداد دیگری از دانشجویان نظامی ایرانی در آکادمی شهر بندری «لیورنو» (Livorno) مشاهده شدند که مشغول کسب آموزش های نظامی و دریایی به منظور تأسیس نیروی دریایی سلطنتی ایران بودند. به هر حال، هر دوی این طرح ها موقتی بودند که جز در مواردی استثنایی، اغلب دانشجویان پس از پایان دوره تحصیلی خود به میهن بازگشتند.<sup>(5)</sup>

مهاجرت گسترده دانشجویان ایرانی به ایتالیا از سال 1950م به بعد شروع شد. این جریان جدید مهاجرت از طریق اعطای بورس های تحصیلی شکل گرفت که بر اساس موافقتنامه فرهنگی امضاء شده میان دو کشور در سال 1958م (1337 ه.ش) ایجاد گردیده بود. آمار دقیقی در اختیار نمی باشد اما بین سال های 1970-1950م حدود 10 هزار دانشجوی ایرانی طی دوره های مختلف زمانی در ایتالیا - شهرهای رم، فلورانس، بولونیا، میلان، تورین، ونیز، پروجا و دیگر شهرهای اصلی این کشور- اقامت کردند و در رشته های کشاورزی، هنرهای زیبا، موسیقی، مهندسی، پزشکی و خاک شناسی مشغول به تحصیل شدند.<sup>(6)</sup>

در ایتالیا به عنوان بخشی از اروپا، در میان این دانشجویان که غالباً فرزندان از طبقه ثروتمند در تهران بودند، گروه های مخالفی علیه سیاست های رژیم طاغوت شکل گرفتند. این گروه ها با شبکه بین المللی اتحادیه دانشجویان ایرانی مرتبط شدند. فعالیت های این انجمن های دانشجویی نظیر فدراسیون اتحادیه های

دانشجویان ایرانی در ایتالیا هرگز قابل مقایسه با گروه های مشابه خود در فرانسه، انگلستان و آلمان نبود.

در طول همان دوره بویژه در اواخر دهه 1970م، ایتالیا شاهد جهشی در افزایش واردات فرش های ایرانی بود که به همراه تعداد بیشتری از بازرگانان ایرانی به این کشور آمدند. تجارت فرش و شبکه وسیع فروشگاه ها و فعالیت های مربوط به آنها نظیر شستشو، تعمیر و... به عنوان فرصت های اصلی شغلی به نسل های جدید ایرانی در ایتالیا در طول 25 سال به دنبال انقلاب اسلامی عرضه شد.

با ظهور انقلاب اسلامی 79-1378 تعداد قابل توجهی از آخرین نسل از دانشجویان ورودی نظام شاهنشاهی تصمیم گرفتند در ایتالیا بمانند و زندگی جدیدی را در آن جا آغاز کنند. اغلب آنها تابعیت ایتالیایی را کسب کرده بودند - حدود 5 هزار ایرانی که متولد ایران بودند ولی تابعیت ایتالیایی داشتند - . در آن ایام، این ساکنان جدید، خلأ هویتی خود را با فعالیت های فرهنگی زبانی و جهانی شان پر می کردند. از جمله فعالیت های فرهنگی می توان به - شرکت های کوچک چاپ و نشر نظیر انتشارات بابک که برای چندین سال فعالیت می کرد، کتابفروشی ایرانی نیما فعال در رم از سال 1994، چندین انجمن فرهنگی از جمله انجمن فرهنگی ایتالیا- ایران در فلورانس به عنوان قدیمی ترین آن، مجلاتی با شمارگان اندک، کنسرت ها، اجرا و ضبط موسیقی سنتی ایرانی و... اشاره نمود.

ایرانی های مهاجر برای تطبیق خود با محیط ایتالیا و کسب موقعیت های شغلی نیز تلاش کردند از طریق تحصیل در رشته های فنی و فرهنگی چون مهندسی و پزشکی به این مهم دست پیدا کنند. آن چه بیشتر قابل تأمل است این که از نیمه دوم قرن بیستم تعدادی از روشنفکران و هنرمندان مهم - نویسندگان، موسیقیدانان، نقاشان، پیکرتراشان، تصویرگران، عکاسان و هنرمندان- که تحصیلات خود را در ایتالیا به اتمام رسانده بودند در آن جا اقامت کردند و نقش مولدی را در رشته های تخصصی مربوط به خود ایفا نمودند. گفتنی است این سهم ایرانی ها در فرهنگ ایتالیایی هنوز به قدر لازم شناخته نشده است.

از آغاز دهه 1980م، به عنوان عواقب وقوع جنگ ایران و عراق، سیل جدید مهاجرت از ایران به ایتالیا شروع شد، هرچند در مقایسه با دیگر کشورهای غربی بویژه ایالات متحده از درجه کمتری برخوردار بود. براساس اطلاعات - اطلاعات قابل دسترسی- تهیه شده توسط وزارت کشور ایتالیا، تعداد ایرانیان مقیم این کشور از 10131 نفر در سال 1981 به 13536 نفر در سال 1986 افزایش یافت که در شهرهای سراسر ایتالیا پراکنده شده بودند. بخشی از تحقیقات جامعه شناختی که در اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990 درخصوص مهاجران ایرانی انجام شد برخی از ویژگی های مهاجران را این گونه برشمرده است: جوان(80 درصد زیر 30 سال)، غالباً مرد(71/1 درصد)، اکثراً مجرد(58/3 درصد)، خصوصیت مشترکی که دارند به نظر می آید مهاجرت آنها موقتی باشد. شاید یکی از مهم ترین دلایل آن

که پیشتر نیز بیان شد قوانین و شرایط اشتغال در ایتالیا باشد که این تصور را برای خیلی از ایرانی های مهاجر ایجاد کرده است که ایتالیا کشور مناسب و مطلوبی برای آنها نمی باشد حتی برای افرادی که به مدت طولانی جلای وطن کرده اند.<sup>(7)</sup>

### ایرانیان کنونی

بهانه مهاجرت به ایتالیا همیشه تحصیل بوده است، هرچند که مسأله اشتغال در این کشور مورد غفلت قرار می گیرد. امنیت شغلی در ایتالیا وجود ندارد حتی برای کسی که بیش از 10 سال در شغلی مشغول به کار است. این مهم با توجه به بحران اقتصادی اروپا که در کشورهای یونان، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا تأثیر بسزایی گذاشته است، بیشتر محسوس می باشد. بر اساس گزارش ماه نوامبر 2012 مرکز آمار ایتالیا، شاخص بیکاری جوانان تحصیل کرده در این کشور به 35.1 درصد رسیده و هم اکنون 608 هزار جوان در جستجوی کار می باشند. از این رو، هدف ثابت و نهایی دانشجویان ایرانی بازگشت به وطن و یا کشور دیگری است به محض آن که شرایط ایجاب نماید. نبود امنیت شغلی، رکود پی در پی اقتصادی، اطمینان نکردن به آینده و وضعیت مالی نابسامان و همچنین افزایش فزاینده بیکاری، حتی اذهان جوانان تحصیلکرده ایتالیایی را نیز به خود مشغول کرده و موجب افزایش مهاجرت این قشر از جامعه شده است. در همین جا باید اشاره کرد که بیشتر دانشجویان ایرانی در دانشگاه های «رم»، «بولونیا» و «میلان» تحصیل می کنند.

روابط ایتالیا با ایران هیچ گاه قطع نشده و اغلب از طریق روابط اقتصادی تقویت گردیده است، به طوری که اخیراً اتاق مشترک ایران و ایتالیا موفق به دریافت نشان شوالیه جمهوری ایتالیا گردید.<sup>(8)</sup> ویژگی این روابط دو جانبه، آسیب پذیری کمتر آن از نوسانات مقطعی میان ایران و اتحادیه اروپا بوده است. از شاخصه های مهاجران ایرانی دهه 1980-1990، حس هویت ملی مشترک بین آنها می باشد. ایرانیان مقیم ایتالیا به خود به عنوان مهاجر نگاه نمی کنند لذا تمایلی به تأسیس بنیادهایی برای ایجاد شبکه های اجتماعی ایرانی نشان نمی دهند، برای آنها همیشه کارهای موقتی- بویژه در بخش فرش- وجود دارد، روابط میان مهاجران محدود بوده و صمیمانه نیست، اما پیوند ریشه دار آنها با سرزمین مادری از شاخصه های اصلی هویت ایرانی در این کشور خصوصاً در دو دهه آخر قرن بیستم و اول قرن 21 بوده است.

علی رغم حضور تقریباً تمامی گروهك های مخالف ج.ا.ایران از مارکسیست گرفته تا لیبرال، سلطنت طلب و منافق(مجاهدین خلق) که با گردهمایی های دوره ای و شبکه های رادیویی غالباً فعال می باشند، حضور ایرانی ها در ایتالیا، پویایی روابط سیاسی بین دو کشور را موجب شده است.<sup>(9)</sup>

آماري که در سال 1999 توسط مؤسسه ملي آمار ایتالیا موسوم به ایستات درخصوص تعداد مهاجران ایرانی منتشر شد، بازگو می کند که 8371 نفر - 5041 مرد و 3330 زن- به صورت قانوني در این کشور اقامت داشته اند. آخرین آمارهای ارائه شده در سایت مرکز آمار مذکور طی سال های 2010 و 2011 میلادی مجموع شهروندان ایرانی الاصل در ایتالیا را 7444 نفر(مرد: 4024 نفر- زن: 3420 نفر) و مجموع متقاضیان ایرانی دریافت اجازه اقامت (8437 Permesso di soggiorno) نفر، اعلام کرده است. البته از شمار ایرانیانی که اقامت شان در ایتالیا به صورت غیرقانونی؛ پناهندگی سیاسی یا رواید می باشد آمار دقیقی در دست نیست.

همچنین براساس آمارهای منابع رسمی هم اکنون حدود ۳۰ هزار نفر از ایرانیان در ایتالیا اقامت دارند که از این تعداد بیش از ۱۴ هزار و ۴۰۰ نفر در رم و شهرهای جنوبی و ۱۵ هزار و ۶۰۰ تن در میلان و شهرهای شمالی ایتالیا ساکن هستند.<sup>(10)</sup> و براساس آمارهای غیررسمی بیش از ۵ هزار دانشجوی ایرانی در دانشگاه های سراسر ایتالیا مشغول به تحصیل می باشند.<sup>(11)</sup> همچنین در اولین همایش ایرانیان مقیم ایتالیا که 11 خرداد 1387 در محل هتل میکل آنژ میلان برگزار شد، تعداد ایرانیان دارای پرونده در سرکنسولگری میلان 15 هزار نفر در 9 استان شمال ایتالیا اعلام شد.<sup>(12)</sup>

این چارچوب با هم این تصور را تأیید می کند که علی رغم تعداد قابل توجه و اهمیت حضور ایرانی ها در ایتالیا و با توجه به این مهم که ایرانیان مهاجر، شخصیت فرهنگی مستقلی دارند، بی هویت نبوده و فرهنگ التقاطی ندارند و فرهنگ آنها با دیگران متفاوت است، هنوز نتوانسته اند به اتحاد فرهنگی و شغلی دست بیابند و موفق به تأسیس يك جامعه واقعي بشوند. به نظر می رسد توجه بیشتر به وضعیت فرهنگی ایرانیان مهاجر در ایتالیا می تواند تأثیر بسزایی بر کیفیت سرمایه گذاری فرهنگی و تکوین و تنفیذ هویت ایرانی برای آنها داشته باشد. راهکارهایی که در این خصوص می توان به آنها اشاره کرد: بازنگری و احیای آموزش زبان فارسی از طریق برگزاری دوره های آموزش زبان فارسی باشد؛ زبان تنها یکی از مظاهر فرهنگی و وسیله بیان و تعبیر بخشی از فرهنگ است، لذا آن را باید برای شناساندن سایر بخشها و جلوهها به کار گرفت و ایرانیان مهاجر بویژه نسل های دوم و سوم را به آداب و رسوم زیبا و جشنها و داستانها و افسانهها و هنر و ادبیات و مظاهر دیگر فرهنگ ایرانی آشنا و علاقمند کرد. آموزش اصولی زبان این گنجینه گرانبها یعنی ادبیات فارسی است که سرچشمه فرهنگ و تمدن و اندیشهها و افکار و باورها و اعتقادات ایرانیان بوده و قدمت آن غور و غنای هویت ایرانی را بیان می کند. از همین رو درک و فهم آثار وزین فارسی که مشحون از دانشهای گوناگون است، زمانی به طور کامل میسرخواهد بود که زبان این آثار به عنوان راه ورود به جهان بیکران فرهنگ و تمدن و هویت ایرانی، با تمامی رمز و راز و لطایف و ظرایفش، آموخته شود. از دیگر راهکارها می توان به برگزاری جشنها و اعیاد و مراسم ملی و مذهبی نظیر نوروز، نیمه شعبان و...، تأسیس کانونهای

دینی، قرآن و عترت، ایران‌شناسی و گردشگری، برپایی اردوهای ایرانگردی و ایران‌شناسی، برگزاری شب‌های شعر و برنامه‌های مثنوی‌خوانی، شاهنامه‌خوانی، حافظ‌خوانی و ...، برگزاری نمایشگاه‌های تولیدات هنری، ادبی، صنایع دستی و ...، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، دینی، هنری و ادبی (فیلم، عکس، شعر و ادب، صنایع دستی، کاریکاتور، هنرهای تجسمی، آداب و رسوم ایرانی، غذاهای ایرانی و ...)، انتشار جزوات و بروشورهای ویژه و بسته‌های فرهنگی در جهت معرفی آثار و ابنیه تاریخی ایران، مشاهیر و مفاخر علم و ادب ایران، اماکن تفریحی و گردشگری ایران، تاریخ ایران، زبان و ادبیات فارسی و ... اشاره کرد. همچنین دخالت ایرانیان مقیم به منظور ایجاد قرابت و نزدیکی و اعتماد سازی در اجرای برنامه‌های فرهنگی مشترک می‌تواند در نیل به هدف نقش بسزایی داشته باشد. البته دستیابی به این مهم، تعامل و همکاری کلیه سازمان‌های فرهنگی و سیاسی از جمله سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت امور خارجه، سازمان صدا و سیما، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی ایرانیان، مرکز مشارکت امور زنان، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و ... را می‌طلبد.

### یادداشت‌ها:

- 1- <http://anthropology.ir> •
- 2- <http://www.istat.it> •
- 3- E. Nedergaard, "The Four Sons of Phraates IV in Rome," Acta Hyperborea 1, 1987, pp. 102-15/ Angelo Michele Piemontese, "Lantica Persia veduta in Roma," in Laura Biancini et al., Roma memoria e oblio, Rome, 2001, pp. 71-81. •
- 4- Niccolao Manucci 1901,11,pp16-18/ Tucci 1949, PP79-80/ Manucci Storia do Mogor, tr. William Irvine as Storia do Mogor or Mogul India 1653-1708, 4 vols., London, 1907-1908; repr. Calcutta, 1965. •
- 5- Changiz Davarpanah, "Il primo giornale a stampa iraniano e l'Italia (1853-56)," Rivista degli Studi Orientali 70, 1996, pp. 199-225/ "Mirzā Abul-Ḥasan Kān Ṣani-al-Molk Gāffāri, mosses-e naqostin honarestān-e naqqāši dar Irān," Honar o mardom, no. 10, 1963, pp. 14-27. •
- 6- <http://www.icro.ir/> •
- 7- [www.iranica.com](http://www.iranica.com) •
- 8- <http://www.iccim.ir> •

- 9- Rrport of MARIO CASARI about Iranians, Originally Published: •  
December 15, 2007
- 10- [http://www.khabarfarsi.com/www.istat.it\(Gennaio 2011\)](http://www.khabarfarsi.com/www.istat.it(Gennaio%202011)) •
- 11- <http://ciaoiran.blogfa.com/> •
- 12- <http://www.iranianshouse.ir> •

نویسنده: نوید رسولی، کارشناس رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در ایتالیا

منبع: <http://rome.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=208&pageid=35890>